

در ضرورت تعلیم و تربیت پویا و خلاق^۱

دکتر مهرناز شهرآرای
دانشگاه تربیت معلم، تهران

خلاصه

با توجه به پیشرفتهای سریع انسان در زمینه های علوم، فن آوری، و فرهنگ، نظامهای آموزشی « ایستا » قادر نخواهند بود با دادن اطلاعاتی که چراغ « نیم عمر » آنها، به سرعت رو به خاموشی می رود، افرادی توانا و رشد یافته تربیت کنند. لذا، ناچاریم با بهره گیری صحیح از نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق، شیوه اندیشیدن و « یادگیری شیوه یافتن » را آموزش دهیم، تا افراد بتوانند بطور فعال و پویا، بینش و آگاهیهای خود را در زمینه های مختلف بهنگام سازند و در درك و کاربرد صحیح و موثر آنها توانایی لازم و کافی را کسب نمایند.

در این مقاله، ابتدا ضمن بررسی خصوصیات عمده تعلیم و تربیت پویا و خلاق و پذیرش این فکر که نظام جهانی تعلیم و تربیت قادر به چرخش بر محور تعلیم و تربیت ایستا نخواهد بود، بهره مندی به موقع و صحیح از این نوع تعلیم و تربیت را توصیه کرده و اهداف، محتوا، روشها، و سیاست های تربیتی آنرا مورد بررسی قرار داده ایم. سپس، با توجه به اهمیت ارتباط بین نظامهای تربیتی و مقتضیات فراگیران، بر ضرورت و کارایی آن بر جریان رشد، یادگیری، و اخلاقیات نوجوانان و جوانان تاکید نهاده ایم.

مقدمه

تعلیم و تربیت، به عنوان رکنی اساسی در زندگی انسانها، همواره به عنوان وسیله ای مؤثر در پاسخگویی به نیازها و ضروریات مکان و زمان مطرح بوده است. جامعه جهانی امروز، در دوران پیچیده و پر شتاب «انقلاب اطلاعاتی» (انفورماتیک)، با مسایل و مشکلات فردی و اجتماعی بسیاری روبرو می باشد. برای مقابله صحیح و به موقع با آنها به تعلیم و تربیتی مناسب با این زمان نیازمندیم. مطالعه تاریخ فرهنگ نشان می دهد که حل مشکلات فردی و اجتماعی بیش از فراهم آوردن امکانات اقتصادی، به پویایی و نوآوری بستگی داشته و دارد. پویایی، نوآوری، و زایش نیز بدون افرادی که به صورت عملی از اندیشه های منطقی و خلاق در حل مسایل و بهبود وضعیت بهره گیرند مقدور نخواهد بود.

تحقیقات انجام شده توسط دانشمندانی چون بودو،^۲ فلدمن،^۳ گیلفورد،^۴ گویال،^۵ ونلر،^۶ در کنار تجربیات عملی نشان داده است که تربیت انسانهای پویا، زاینده، و خلاق، مستلزم به عهده گیری مناسب از «تعلیم و تربیت» ایستا^۷ به عنوان عاملی مهم در اکت تحصیلی و مشکلات آموزشی نشأت گرفته از آن یاد می شود بیشتر احساس می گردد. زیرا در این شیوه از تعلیم و تربیت صرفاً بر روش انتقال محفوظات ذهنی، کلیشه ای، و «زمان زده» تکیه می شود، و با نگهداشتن یادگیرنده در زمان گذشته از رشد و تحول جامعه نیز جلوگیری می کند. ولیکن، تعلیم و تربیت پویا و خلاق بر فعالیتهای فردی، کشف، توسعه، حل مسئله و نوآوری متکی است، و با تاکید بر رشد زایشی، وسایل آماده شدن برای رفع نیازها و ضروریات زمان حال و آینده را در سطحی وسیع تر فراهم می آورد.

با توجه به وضعیت جهانی و نیازهای موجود در جامعه کنونی و با نظر به این که هدف اساسی در تعلیم و تربیت باید فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب برای رشد و شکوفایی همه جانبه فرد و جامعه باشد، در این مقاله ابتدا به بررسی خصوصیات عمده (اهداف، محتوا، روشها و سیاست های تربیتی) تعلیم و تربیت پویا و خلاق اشاره خواهیم کرد. آنگاه با توجه به تحولات شناختی و نیازهای روانی - اجتماعی دوره نوجوانی و جوانی پیرامون ضرورت بکارگیری این نوع از تعلیم و تربیت در رشد نوجوانان و جوانان به بحث خواهیم پرداخت.

اهداف

تعلیم و تربیت پویا و خلاق بر این فرض استوار است که سازگاری مناسب با دنیای متحول و پیچیده کنونی از طریق تفکر و اندیشه منطقی، پویایی، و نوآوری امکان پذیر است و هدف اصلی تعلیم و تربیت باید اصالت دادن به کسب اطلاعات مفید، درک عمیق مفاهیم و اصول، توانایی در قضاوت، درک روابط علت و معلولی، قدرت تجزیه، تحلیل و ترکیب و در یک کلام مجهز کردن یادگیرنده به اندیشه خلاق می باشد. در این تعلیم و تربیت کشف و پرورش استعدادها، و بویژه استعدادهای خلاق فرد یک ضرورت است.^۸ چنین نظامی مقید و متعهد به انسان سازی و در نهایت ساختن و رشد جامعه است. لذا بردست اندرکاران است که افراد خلاق را به شناخت و رشد استعدادهای خلاق خود تشویق کنند و به آنها پیاموزند تا برای تفکر خلاق خود ارزش قایل شوند و در جهت ایجاد تغییر و تحولات اجتماعی گسترده تر در زمان حال و آینده گام بردارند.

اما، در تعلیم و تربیت ایستا هدف حفظ وضع موجود می باشد. این نظام تربیتی در بسیاری از موارد، استعدادهای خلاق و خودجوش را، همراه استعدادهای دیگر، شکلی قالبی و کلیشه ای می دهد و نهایتاً فرد و جامعه را از رشد و شکوفایی مطلوب باز می دارد. نظام مذکور، که مبتنی بر دیدگاه سازشی است، بجای دگرگونیهای زیر بنایی در تعلیم و تربیت و نتیجه در کل جامعه، بر آن است تا به تحولات اجتماعی واکنش نشان دهد.

محتوا

مقصود از محتوا مجموعه ای از تجارب برای دستیابی به اهداف می باشد. تجربه نیز ناشی از تأثیری است که فرد در تعامل بین خود و محیط بدست می آورد. در تعلیم و تربیت پویا و خلاق بین محتوا و روشها ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و از جمله مسایل در این بابت شیوه ارائه محتوا می باشد. محتوا اعم از اینکه کتبی یا شفاهی باشد می تواند به دو صورت فعال و غیر فعال ارائه گردد. ارائه شفاهی محتوا به مبحث روشها مربوط می گردد، در حالی که ارائه کتبی محتوا اساساً به کتابهای درسی و جنینی ارتباط پیدا می کند. محتوایی که بطور فعال ارائه

شود، یادگیرنده را با فعالیتهای یادگیری درگیر می کند، جرقه های تفکر و کنکاش را در او روشن می کند، و از طریق حل مسئله موجبات درك و جذب را فراهم می نماید. به عبارت دیگر، ارائه محتوا به صورت فعال توجه یادگیرنده را به محرکهای پیرامون خود حساس می کند و او را به پژوهش، ابداع و ابتکار تشویق می نماید. محتوایی که به این شیوه ارائه می شود اصطلاحاً «تحلیلی - علمی»^۹ نامیده می شود. اما محتوایی که بطور غیر فعال، و یا انتقال صرف حقایق و اطلاعات به فرد ارائه گردد مستلزم تفکر و تعمقی از جانب یادگیرنده نیست و اصطلاحاً «تحمیلی - تعبدی»^{۱۰} خوانده می شود. بدیهی است که پایه تفکر و اندیشه دانش و حقایق است و لیکن بحث آن است که محتوا صرفاً به انتقال اطلاعات محدود نمی شود. زیرا در نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق، علاوه بر انتقال حقایق و اطلاعات، پایه های رشد تفکر و روش علمی و منطقی نیز باید در یادگیرندگان پی ریزی شود.

روشها

روشها به چگونگی ارائه محتوا اطلاق می گردد. ذکر این نکته ضروری است که هر چند برای سهولت بحث، محتوا و روشها را بطور جداگانه مورد توجه قرار داده ایم، ولی فرض اساسی این است که روشها و محتوا در هم تنیده می باشند و بر یکدیگر اثر متقابل می گذارند. در زیر به عمده ترین روشهایی که در نظام تعلیم و تربیت پویا مورد استفاده می باشند توجه خواهیم نمود:

۱- **تجربه و تمرین آزاد.** از جمله روشهای عمده تعلیم و تربیت پویا و خلاق، فراهم آوردن تجربه و تمرین آزاد و بهره گیری از آزمایش و خطا با تکیه بر کنش و واکنش میان انسان و محیط است.^{۱۱} با استفاده از این روش، یادگیرندگان به محرکهای محیطی حساس تر می شوند و دخل و تصرف در اشیاء و مفاهیم نیز امکان پذیر می گردد. تجربه و تمرین آزاد و مستقیم بر این اصل مبتنی است که مفاهیمی که یادگیرنده خود بطور فعال (مستقیم) بدانها دسترسی پیدا می کند معنی دارتر، پایدارتر و سهل الوصول تر از مفاهیمی است که دیگران برای او بوجود می آورند.^{۱۲} مضافاً به این که یادگیرنده، ضمن تجربه، بر راهبردها و فرآیندهای

موثر بر اکتشاف نیز وقوف می یابد.

۲- **اکتشاف - محور.** از جمله ویژگیهای نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق، استفاده از روش « اکتشاف - محور » است. به نظر برونر، اکتشاف فرآیندی است که در آن اطلاعات به شکل نهایی به یادگیرنده ارائه نمی گردد بلکه مستلزم سازماندهی مطالب توسط خود یادگیرنده است. این سازماندهی زمانی اتفاق می افتد که یادگیرنده بتواند ارتباط میان اجزاء اطلاعات را کشف کند. بطور کلی، این روش بر حداکثر مشارکت یادگیرنده در یادگیری تاکید می کند. استفاده کنندگان از این روش سعی می کنند از طریق فراهم آوردن تجارب مفید، یادگیرندگان را نه برای حفظ مطالب بلکه برای اندیشیدن و برخورد با مسایل و حل آنها آماده سازند.

۳- **فرآیند - محور.** ۱۳. تعلیم و تربیت پویا و خلاق بر این فرض که یادگیری فعال، مفید و زاینده به شدت متأثر از فرآیند است، بر روش فرآیند محور که در آن جریان یا فرآیند یادگیری بیش از نتیجه صرف آن مورد توجه می باشد تأکید دارد. این بدان معنی نیست که نتیجه تفکر و یادگیری اهمیت ندارد، زیرا اثرات ناشی از آن می تواند رشد و شکوفایی و زاینندگی فرد و جامعه را سبب گردد.

۴- **فعال.** در این روش یادگیرنده در فرآیند یادگیری بطور مستقیم درگیر می گردد و عمل یادگیری در دست او می باشد. ۱۴ در این روش، یادگیری فرآیندی دوسویه میان یادگیرنده و تجارب است و به چگونگی یادگیری و تفکر و استفاده از فعالیتهای « خودبخودی »^{۱۵} توجه دارد.

روش فعال **اولاً** متکی بر تجربیات عینی و امکانات یادگیرنده می باشد. **ثانیاً**، قوه خلاقیت یادگیرنده را به کار گرفته و تقویت می کند، زیرا این یادگیرنده است که با استفاده از دانسته های قبلی و به کار بردن انتظارات شخصی، نادانسته ها را با راهنمایی یاد دهنده تجزیه و تحلیل می نماید و آنها را به صورت دانسته در می آورد. **ثالثاً** در جریان یادگیری آزادی عمل و استقلال یادگیرنده رشد و توسعه می یابد. **رابعاً** از آنجا که بین مطالب مورد یادگیری و دانسته های قبلی شخص روابط محکم و صحیحی برقرار می شود، مطالب

یادگیرنده ناشی می‌گردد و بعدها جزیی از جریان فکری او را تشکیل می‌دهد.^{۱۶}

۵- **بحث و گفتگوی آزاد.** از جمله روشهای دیگر در تعلیم و تربیت پویا و خلاق، روش بحث و گفتگوی آزاد بین یاد دهنده و یادگیرنده و یادگیرندگان از سوی دیگر است. پژوهشگرانی چون شهرآرای^{۱۷} و محسنی^{۱۸} به این بینش رسیده‌اند که تعامل بین افراد سنگ زیربنای فعالیتهای هوشمندانه است. در به کارگیری این روش، یاددهنده غالباً درس را با طرح سئوالاتی بر انگیزنده آغاز می‌کند که یادگیرنده را به فکر وا دارد و بینش او را گسترش دهد. سپس با فراهم آوردن شرایط مناسب برای گفتگو سعی می‌کند تا بحث را در جهت اصلی هدایت نماید.^{۱۹} در این راستا، یادگیرنده تشویق می‌شود تا به اصولی که او را در درك عمیق و گسترده پدیده‌ها و یا حل مسایل کمک می‌کنند، دست یابد.

۶- **فیضان مغزی.**^{۲۰} در تعلیم و تربیت پویا و خلاق از روش فیضان مغزی^{۲۱} و یا «سیال سازی ذهن» نیز به فراوانی استفاده می‌گردد. در این روش، به یادگیرنده فرصت داده می‌شود تا در جوی آرام عمیق فکر کند و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف یک موضوع یا مسئله، نظر خود را آزادانه و به دور از هر گونه محدودیت مطرح سازد.^{۲۲} طرفداران این روش بر این باورند که این جو با ایجاد آرامش در افراد، موانع را بر طرف می‌سازد و به تفکر خلاق مجال بروز می‌دهد.^{۲۳} در این روش یاد دهنده به عنوان راهنما و تسهیل کننده نقشی بسیار حساس دارد، زیرا می‌تواند، با کمک یادگیرنده مسایل و یا موضوعات اصلی را از موارد جنبی و غیر مربوط تفکیک کنند و به نوعی جمع بندی برسند.

۷- **تفکر واگرا.**^{۲۴} پژوهشگرانی همچون گیلفورد،^{۲۵} ماک گیرا^{۲۶} و هوسی^{۲۷} بر آنند که در تعلیم و تربیت پویا و خلاق از تفکر واگرا که تفکر آفریننده و خلاق نیز نامیده شده است می‌توان بیش از تفکر همگرا^{۲۸} استفاده کرد. در تفکر همگرا، یادگیرنده در چارچوب داده‌های معین به بررسی می‌پردازد و از میان چند راه حل یکی را بر می‌گزیند. در این گونه تفکر تنها یک جواب یا نتیجه است که فکر در جهت آن هدایت و برای رسیدن به آن کوشش می‌شود.

در تفکر واگرا،^{۲۹} به عکس تفکر همگرا، ذهن متوجه جستجوی تمام راه حل های ممکن است. در واگرایی، یادگیرنده به دنبال کشف روابط جدید است و مطالب به ظاهر نامربوط و غیرمتجانس را با هم ترکیب و به خلق عناصر جدید می رسد. بنابراین، «واگرایی» متوجه تعدد و تنوع جوابها و اصالت جویی است. بسیاری از معتقدان به نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق همچون فایرستین و ترفنیگر،^{۳۰} ماک گیرا^{۳۱} سعی دارند تا با ایجاد موازنه منطقی بین این دو شیوه، به برقراری تعادل بین نظم ذهنی (تفکر منطقی) و آزادی فکری (تفکر خلاق) توفیق یابند. آنچه که هم اکنون در آثار روان شناسی مطرح می باشد این است که اگر خلاقیت را خلق صورتهای جدید از تصورات و تفکرات گذشته بدانیم، در این صورت ارتباط بین تفکر همگرا (اطلاع از تصورات و اندیشه ها) و تفکر واگرا (بازسازی تصورات و اندیشه های جدید) روشن تر می گردد. بر مبنای چنین نگرشی است که فایرستین و ترفنیگر می گویند: «بدون همگرایی نه عملی بوقوع می پیوندد و نه تصمیمی گرفته می شود».^{۳۲} در ایجاد موازنه منطقی بین این دو شیوه از تفکر باید به یادگیرنده فرصت داده شود تا ضمن آگاهی بر ساختار دانش در رشته های گوناگون پایه، و اساس لازم را برای تفکر آفریننده و واگرا فراهم آورد.

سیاست های تربیتی

بر اساس آنچه که گذشت ذیلاً به سیاست های تربیتی چندی اشاره می شود:
توجه به تفاوت های فردی یا انطباق روشها با خصوصیات یادگیرنده یکی از آنها می باشد.

تاکید بر کیفیت تفکر بیش از سرعت انتقال دومین است. همانگونه که در روش فیضان مغزی نیز اشاره شد، به یادگیرنده فرصت تفکر قبل از پاسخگویی داده می شود و از او خواسته می شود تا ظرف مدتی کوتاه بیشترین راه حل را ارائه دهد. لذا، همان قدر که کیفیت تفکر مورد توجه است تعداد راه حل ها نیز مورد عنایت می باشد.

استفاده از تفکر تأملی بیش از تفکر آنی سومین است. یعنی در حالی که از یادگیرنده

خواسته می شود تا به ارائه بیشترین راه حلها مبادرت کند به او نیز می آموزند که تفکر تأملی را پیش از تفکر آئی به کار گیرد.

چهارمین سیاست تربیتی، ترجیح کیفیت بر کمیت در یادگیری می باشد. البته این بدان معنی نیست که بر اطلاعات مربوط به اصول دانش تکیه نمی شود؛ زیرا تجربه و تحقیق^{۳۳} نشان از آن دارد که افراد خلاق و کاشفان بزرگ علاوه بر آشنایی با اصول رشته تحقیقی خود غالباً از اطلاعات اصول و مبانی سایر رشته ها و نیز دیدگاه میان رشته ای یا چند رشته ای نیز آگاهی داشته اند.

و بالاخره توجه به مسایل انضباطی و اخلاقی پنجمین است. تربیت اخلاقی انسانها و برقراری انضباط مانند تربیت ذهنی چیزی بالاتر از کسب معارف یا گوش دادن به مسایل اخلاقی و تکرار ارزشهای اخلاقی کلیشه ای طوطی وار است. هدف از تربیت اخلاقی، تحول «خودپروی»^{۳۴} و «تقابل»^{۳۵} می باشد.^{۳۶}

قبلاً اشاره شد، که تعلیم و تربیت پویا و خلاق متأثر از دیدگاه زایشی است و این نه فقط به دلیل توجه به حل مسایل فردی و ایجاد تحولات اجتماعی است بلکه به علت اهمیتی است که برای شناخت خصوصیات روانی - اجتماعی نوجوانان و رفع نیازهای آنان قایل می باشد. این سخن بدان معنی است که رشد و یادگیری نوجوانان و جوانان در نظام مبتنی بر پویایی و خلاقیت بمراتب بهتر از نظام مبتنی بر تعلیم و تربیت ایستا تحقق می پذیرد. با ذکر چند ویژگی از این گروه سنی، زمینه تحقق آنها را از طریق نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- **پیدایش تفکر انتزاعی.** مطالعات متعدد توسط الکانید،^{۳۷} بریزد،^{۳۸} بیلر،^{۳۹} فلاول،^{۴۰} نشان داده است که پیدایش تفکر انتزاعی^{۴۱} (مجرد یا صوری) در نوجوان و جوان آنان را در زمینه های زیر توانا می سازد:

الف: عملیات فرضی - استتاجی: نوجوان به علت رشد تفکر انتزاعی می تواند به فرضیه سازی و حل مسایل فرضی پردازد و به استتاج دست یابد. همچنین منطقی قضاها که ادامه منطقی جزء و کل است به نوجوان امکان می دهد که قضایای

منطقی را به خوبی و بدون نیاز به تفکر انضمامی درک کند.

ب: عملیات ترکیبی: عملیات ترکیبی که شیوه اندیشیدن علمی و منطقی است به نوجوان توانایی تجزیه، تحلیل، ترکیب، استدلال و حل مساله می دهد. به طور کلی با تفکر انتزاعی، نوجوان و جوان به انواع راه حل‌های فرضی و ترکیبی توجه می کند و به علت تفکر انعطاف پذیر می تواند از موضوعی به موضوع دیگر بپردازد و احتمالات را پیش بینی کند.

تعلیم و تربیت پویا و خلاق با تاکید بر روش فعال و توجه به ساختار مواد آموزشی به فرد فرصت می دهد تا اصول اساسی موضوع را دریافت کند و مطالب جدید را با یکدیگر و با اطلاعات قبلی خود پیوند دهد و توانایی خویش را در حل مساله افزایش دهد. تکیه بر اصول اساسی، موضوع را برای فرد معنی دار می کند و برانگیزه درونی او در یادگیری اثر می گذارد. بدین ترتیب مطالب با سهولت بیشتری حفظ و بیاد آورده می شوند و زمینه های مناسبی را برای تجزیه، تحلیل، ترکیب، استدلال و حل مسئله بوجود می آورند.

ج: افزایش نیروی تخیل: تفکر انتزاعی امکان تخیل - که خمیرمایه خلاقیت است - را گسترش می دهد. ^{۴۲} در نتیجه، نوجوان با توجه به زمان گذشته و آینده می تواند به تجزیه و تحلیل اطلاعات و تجربیات گذشته و بررسی پدیده های احتمالی آینده بپردازد و با ایجاد پلی بین دانش پیشین و پیشرفته، زمینه را برای درک، کشف و حل مسایل فردی و اجتماعی مساعدتر سازد.

با استفاده از روش فعال، نوجوان و جوان می توانند مسایل زمان را در پرتو تجربه های گذشته حل کنند و با اتکا بر همین تجربه ها بر رابطه خود با خدا، محیط، و کل هستی پی ببرند. این نظام به نوجوانان و جوانان فرصت می دهد تا با استفاده از توانایی های تخیلی و منطقی خود، در بسیاری از امور اظهار نظر کنند، تصمیم بگیرند و بر مبنای عملکرد خود از بازخورد مناسب در جهت رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی بهره گیرند.

د: ظهور استعداد های ویژه: به علت اختصاصی شدن استعدادها در دوران نوجوانی و جوانی، علائق و موفقیت های درسی در زمینه های مختلف فرق می کند. چون کشف استعداد های مختلف و جهت دادن به آنها، به خصوص در زمان نوجوانی - که فرد باید

به تعیین رشته و مشخص کردن هدف و مسیر آینده خود بپردازد - از نظر فردی و اجتماعی اهمیت دارد، باید شرایطی فراهم آورد که کشف و جهت دادن به استعداد های اختصاصی به بهترین نحو صورت گیرد. تعلیم و تربیت پویا و خلاق با هدف شناسایی و رشد استعداد های مختلف و بویژه استعداد های خلاق، به نوجوانان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت امکان می دهد تا به صورت کارآمدتر به شناسایی و پرورش استعداد ها بپردازند و از آموزش نتیجه مفیدتری بگیرند.

۲- نیاز به استقلال. نیاز به آزادی و استقلال در اندیشه و عمل، که مهمترین نیاز روانی - اجتماعی نوجوانان است، غالباً باعث می شود تا آنان در فعالیتهای خود و از جمله یادگیری به نقشی فعال و زایشی رو آورند. زمانی که فرد مساله ای را خود حل کند آن را آسانتر می پذیرد، مضافاً به این که بر درک و فهم او نسبت به موضوعات افزوده می شود و بر خود نیز اعتماد بیشتری می کند. بدین سان می توان به این نتیجه رسید که نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق می تواند پاسخگوی نیاز نوجوان و جوان در وصول به استقلال در اندیشه و عمل باشد.

۳- نیاز به هویت یابی. نیاز به هویت یابی، که از نیاز های اساسی دوره نوجوانی است، به صورتهای گوناگون بروز می کند. نوجوان می خواهد خود را بشناسد و بداند که کیست؟ چه استعداد ها، توانایی ها، و مهارتهایی اعم از جسمی و روانی دارد؟ چه باورهایی در مورد خود و دیگران دارد؟ و هدفها و برنامه های زندگی فردی و اجتماعی او در زمان حال و آینده چیست؟^{۴۳} اریکسون مانند کنیسون نویسنده کتاب *غیر متعهد ها*، معتقد است نوجوان و جوان در دستیابی به هویتی مثبت از خود به تجربه مستقیم و بیان تصور خود از دنیا نیاز مبرم دارند. مهمتر از همه او در جستجوی ارزشها و تعهداتی است که باعث رشد وی می شوند و به زندگی او انسجام، و ارزش می دهند.^{۴۴}

تعلیم و تربیت پویا و خلاق با تأکید بر تجربه های مستقیم شخصی، استفاده از روش بحث و گفتگوی آزاد، تدریس «یادگیرنده - محور»، توجه به کیفیت تفکر و نه سرعت انتقال، تکیه بر ارزشها، و توجه به توانایی ها، و احترام فردی فرصت مناسبی فراهم آورد تا نوجوان و جوان به هویت مثبتی از خود دست یابند.

نتیجه گیری کلی و نهایی

بر اساس مطالعات ذکر شده و تجربیات عملی می توان به این نتیجه رسید که نوجوانان و جوانان، به علت ویژگی های خاص خود نمی توانند در چهار چوب یک نظام تعلیم و تربیت ایستا، معلم - مدار، و سازشی به نحو مطلوب رشد کنند و از توانایی های موجود خود در جهت خودسازی و ساختن جامعه « سالم » و « پویا » استفاده بهینه نمایند. نظام تعلیم و تربیت پویا و خلاق که مبتنی بر دیدگاهی زایشی است با هدف آموزش اندیشیدن و ایجاد پویندگی و بکارگیری روشهایی که متضمن فعالیت، مشارکت، مسئولیت پذیری، زاینده‌گی و استقلال نوجوان و جوان است، نظامی مناسب تر برای پاسخگویی به نیازهای رشد نوجوان و جوان و ضروریات موجود می باشد.

جا دارد تا مسئولان و سیاستگزاران جامعه، به خصوص در راستای تغییر نظام آموزشی و تحقق اهداف فرهنگی، در جهت فراهم آوردن شرایط مساعد برای رشد و شکوفایی و زایش افراد و جامعه به این نظام که به هدف ایجاد تحولات اجتماعی گسترده و همه جانبه می اندیشد، توجه بیشتر مبذول دارند. با بهره گیری مناسب از چنین نظام تربیتی می توان افرادی آگاه و بصیر و با ذهن هایی پویا و خلاق که توانایی پاسخگویی به نیازها و ضروریات جهان پیچیده و پر شتاب حال و آینده را داشته باشند، تربیت کرد.

منابع و یادداشتها

1. Dynamic and Creative Education.
۲. بودو، آکن. *خلاقیت در آموزشگاه*. ترجمه علی خانزاده. تهران: انتشارات چهر، ۱۳۵۸.
3. Feldman, D. H. *Developmental Approaches To Giftedness Creativity*. San Francisco: Jossey- Bass, 1982.
4. Guilford, J. P. "Potentiality for Creativity." In J. C. Gowan, J. Khatena, and E. P. Torrance, eds., *Creativity : Its Educational Implications*. 2nd ed. Dubuque IA: Kendell / Hunt, 1981, pp. 1-5.

5. Goyal, R. P. "Creativity and School Climate," *Journal of Psychological Researches*, 1973, 17, 77-80.

۶. نلر، جورج. اف. هنر و خلاقیت. ترجمه سیدعلی مسدّد. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز: ۱۳۶۹.

۷. شهرآرای، مهرناز. « بررسی مشکلات آموزشی - روانی نوجوانان و جوانان ». ۱۳۷۰، جزوه انتشار نیافته.

۸. پیاز، ژان. تربیت به کجا ره می سپرد؟ ترجمه محمود منصور و پریخ دادستان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

9. Scientific - Analytical Content.

10. Devotional - Impositional Content.

11. Case, R. "Piaget and Beyond: Toward a Developmentally - Based Theory and Technology of Instruction." In R. Glaser, ed., *Advances in Instructional Psychology*. Hillsdale, New Jersey: Erlbaum, 1978, vol. 1, pp. 167-228.

12. Klien, P. W. "Effects of Open vs. Structured Teacher- Interaction on Creativity of Children with Different Levels of Anxiety." *Psychology in the School*, 1975, 12, pp. 286-88.

13. Process - Oriented Approach.

14. Baldwin, J. and Williams, H. *Active Learning*. London: T.J. Press, 1988.

15. Spontaneous.

۱۶. خانزاده، علی. « چگونه می توان یادگیری از راه کشف را بهبود بخشید. » نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۳ و ۴، ۱۳۵۵.

۱۷. مراجعه شود به پی نویس شماره ۷، ص ۳.

۱۸. محسنی، نیکچهره. «ارتباط میان تحولات شناختی، عاطفی و اجتماعی در چهارچوب نظریه های شناختی- ساختاری: زمینه ای برای پژوهش»، پژوهشهای تربیتی. انتشارات تربیت معلم. پائیز ۱۳۷۰، شماره ۳، ص ۳۴.
۱۹. بیلر، رابرت. کاربرد روانشناسی در آموزش. ترجمه پروین کدیور، جلد اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۶۸.
20. Brainstorming.
۲۱. این کلمه در آثار روانشناسی ایران به «کنکاش مغزی»، «یورش مغزی»، «حمله مغزی»، «سیال سازی ذهن»، «ترجمه شده است».
22. Amabile, T. M. "Effects of External Evaluation on Artistic Creativity," *Journal of Personality and Social Psychology*. 1979. 37, 221-223.
23. Lindgen, H. C. and Lindgen, F. "Brainstorming and Orneriness as Facilitators of Creativity," *Psychological Reports*, 1965. 16, 577-583.
24. Divergent Thinking Approach.
۲۵. مراجعه شود به پی نویس شماره ۲، ص ۱۸.
26. Mc Crea, R. R. "Creativity, Divergent Thinking and Openness to experience." *Journal of Personality and Social Psychology*. 1987. 52, 1258-1265.
27. Hocevar, D. "Intelligence, Divergent Thinking and Creativity," *Intelligence*. 1980. 4, 25-50.
28. Convergent Thinking.
۲۹. مراجعه شود به پی نویس شماره ۲، ص ۱۷.
30. Firestein, R. L. and Treffinger, D. J. "Ownership and Converging:

Essential Ingredients of Creative Problem Solving. *The Journal of Creative Behavior*, 1983. 17, 32-38.

۳۱. مراجعه شود به پی نویس شماره ۴۲.

۳۲. مراجعه شود به پی نویس شماره ۳۰، ص ۳۲.

۳۳. مراجعه شود به پی نویس شماره ۸، ص ۳۹.

34. Elkind, D. *Children and Adolescents: Interpretive Essays on Jean Piaget*. New York: Oxford, University Press, 1981.

35. Brainard, C. J. *Piaget's Theory of Intelligence*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, 1978.

۳۶. مراجعه شود به پی نویس شماره ۱۹، ص ۱۸۱.

37. Flavel, J. H. *Cognitive Development*. 2nd. ed. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall. 1985.

38. Noppe, L. D. "The Relationship of Formal Thought and Cognitive Styles to Creativity," *The Journal of Creative Behavior*, 1985, 19, 88-96.

۳۹. شهرآرای، مهرناز. «نیازهای نوجوانان را بهتر بشناسیم»، دانشمند، فروردین ۱۳۶۶، ص ۸۷-۸۳.

۴۰. مراجعه شود به پی نویس شماره ۱۹، ص ۱۹۲.